دولت منتخب و راه آینده

در نوزده سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‏گذرد، کشور ما راه صعب و پرفرازونشیبی را طی کرده است.

گاه تا مرز خطر-تا خط قرمز بقا و فنای کشور-فاصلهء چندانی نداشتیم،با اینهمه امروز که به راه طی‏شده نظر می‏افکنیم و موقعیت کنونی کشور را با هریک از سالهای این‏ 19 سال می‏سنجیم کشور را در نقطه‏ای فراتر از همیشه‏ می‏بینیم.در سالهای پس از جنگ سخت و تمام عیار تحمیلی،بی‏وقفه به کار سازندگی پرداختیم.نه فقط کم‏ و کسری‏های ناشی از ویرانیهای بی‏حدومرز جنگ جبران‏ شد،بلکه به نقطه‏ای رسیده‏ایم که با تلاشی دیگر و خیزشی‏ جدید از مرز درحال توسعه‏یافتگی بگذریم.

اینک که هفتمین دورهء ریاست جمهوری کشورمان‏ با انتخاب رئیس جمهور جدید آغاز می‏شود به اینکه‏ این خیزش با نیروی لازم و با سرعت مطلوب انجام گیرد، بیش از هر وقت قدرت گرفته است،زیرا پیشرفتهای‏ شگرف هشت سال سازندگی،زمینه را برای این تحول‏ از هر لحاظ فراهم ساخته است.

جمعیت کشور اینک در مرز 60 میلیون نفر،یک جمعیّت‏ مطلوب به شمار می‏رود که خوشبختانه رشد آن در حد معقول 8/1 درصد در سال نیز پیشرفت کرده بود.

تعداد دانش‏آموزان مقاطع تحصیلی تا مرز 21 میلیون نفر بالا رفته و تعداد دانشجویان از 5/1 میلیون نفر گذشته‏ است.

دسترسی مردم به وسائل رفاهی و بهداشتی مانند برق- آب آشامیدنی سالم-بهداشت-به سطحی رسیده که‏ در آغاز انقلاب تصور آن هم ممکن نبود.

سهم خدمات که در سال 1368 یعنی شروع برنامهء عمرانی اول(بعد از انقلاب)براساس قیمتهای ثابت سال‏ 1361 معادل 13 درصد تولید ناخالص ملی بود در سال‏ 1374 به 5/38 درصد رسید.این افزایش برای کسانیکه از نقش خدمات در اقتصاد آگاهی کافی ندارند ممکن است‏ عاملی مزاحم شمرده شود،درحالیکه واقعیت جز این است. خدمات اگر درست و با کیفیت و در زمان مطلوب ارائه شود بالاترین کمک را به جامعه و رشد و توسعهء اقتصادی‏ می‏نماید.جوامع هرچه پیشرفته‏تر شود،سهم خدمات در تولید ناخالص ملی آنها و در ارزش افزوده آنها بالاتر می‏رود.

اگر سهم مذکور را به نسبت شاغلین خدمات بسنجیم‏ ملاحظه می‏کنیم که در طول مدتی که سهم خدمات از 13 درصد به 5/38 درصد تولید ناخالص داخلی افزایش یافته‏ است،سهم اشتغال در این بخش از 1/40 درصد فقط به‏ 6/41 درصد در سال 1372 رسیده است.(ارقام سالهای‏ 73 و 74 در دست نیست).مقایسه این دو گروه آماری حاکی‏ از بهبود کیفیت خدمات و بالا رفتن ارزش افزوده در این‏ بخش است.مردمی هم که روزانه با دستگاههای خدمات‏ دهنده سروکار دارند متوجه بهبود کیفیت خدمات هستند، البته هنوز تا مرز مطلوب فاصله داریم که باید این فاصله از بین برود.

درحالیکه در سالهای برنامه اول و دوم قدر مطلق تولیدات‏ کشاورزی تقریبا در همهء زمینه‏ها افزایش داشته،سهم‏ اشتغال در این بخش از 1/24 درصد به حدود 22 درصد کاهش یافته که این امر نیز نشان بالا رفتن بازده کشاورزی‏ و تحصیل ارزش افزوده بیشتر می‏باشد.با این همه هنوز نسبت فعالان در امور کشاورزی به کل جمعیت و نیز نسبت‏ به تولید ناخالص داخلی بسیار بالاست.در کشورهای‏ پیشرفته نسبت فعالان در کشاورزی به کل جمعیت فعال‏ کشور گاه حدود 2 تا 4 درصد است.در کشورهای اروپائی این‏ نسبت از 8 تا 9 درصد فراتر نمی‏رود.

سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی که به قیمت ثابت‏ سال 61 معادل 7/10 درصد بود،در سال 74 به 9/13 درصد رسید و در دو سال اخیر این نسبت افزایشی به مراتب‏ بیشتر یافته است که حکایت از به بازار آمدن محصول‏ واحدهای صنعتی جدید می‏کند.به جرأت می‏توان گفت‏ این حرکت در سالهای آینده شتاب بیشتری خواهد داشت. برای آنکه این ادعا را با آمار و ارقام بیان کرده باشیم‏ بهتر است به برخی از آمارهای ارائه شده توسط وزارت‏ صنایع اشاره کنیم:ظرفیت تولید کنسانتره میوه در ابتدای‏ برنامه اول 3000 تن در سال بود-در پایان سال 74 این‏ ظرفیت به 53500 تن رسید و در آخر سال آینده به 70000 تن بالغ خواهد شد(یعنی ظرف 9 سال حدود 23 برابر شده‏ است)ظرفیت تولید خوراک کودک در ابتدای برنامه اول‏ 500 تن در سال بود.در سال 74 به 10500 تن رسید و تا آخر سال آینده به 000/30 تن بالغ خواهد شد.

تولید آرد از 7/5 میلیون تن در سال در ابتدای برنامه اول‏ به 4/8 میلیون تن در آخر سال آینده خواهد رسید.

تولید کاغذ از 211000 تن در آغاز برنامه اول به‏ 480000 تن در سال افزایش می‏یابد.

تولید برخی دیگر از اقلام را ابتدای برنامه اول و در آخر سال‏ آینده به شرح زیر می‏باشد:

لاستیک از 52000 تن به 166000 تن

چینی بهداشتی از 24000 تن به 57000 تن

کاشی از 24 میلیون متر مربع به 65 میلیون متر مربع

سیمان از 5/17 میلیون تن به 28 میلیون تن

شیشه جام از 179000 تن به 28 میلیون تن

ماشین لباسشوئی از 112500 دستگاه به 625000 دستگاه

لوله بدون درز از 100000 تن به 250000 تن

جعبه دندهء خودرو از 4500 عدد به 4300 عدد انواع قالبهای بزرگ صنعتی از 500 تن به 3300 تن

موتورهای دیزلی سبک از 500 تن به 13200 تن

لامپ فلورسنت از 8 میلیون عدد به 32 میلیون عدد

لامپ روشنایی از 30 میلیون عدد به 86 میلیون عدد

الکتروموتورهای سبک از 600000 دستگاه به 770000 دستگاه

صادرات محصولات صنعتی فقط در واحدهائی که تحت‏ پوشش وزارت صنایع هستند در سال 69 برابر 3/61 میلیون‏ دلار بود-در سال 74 این رقم به 4/579 میلیون دلار رسید.

تدوین استانداردهای ملی که در سال 68 معادل 106 بود در سال 74 به 406 رسید در این مدت صد ور پروانه‏ استاندارد از 78 به 372 افزایش یافت.در سال 74 یازده‏ گواهینامه iso 9000 صادر شد و در 9 ماه اول سال‏ گذشته نیز 23 گواهینامه جدید از این نوع صادر گردید.به‏ این ترتیب کیفیت تولیدات صنعتی کشور به سوی‏ بالاترین استانداردهای مورد قبول دنیای امروز بهبود می‏یابد.تعداد گواهی‏نامه‏های نظارت بر کالاهای صادراتی‏ از 22026 عدد در سال 69 به 54763 عدد در سال 74 افزایش یافت.

هم اینک در کشور 403138 واحد کارگاه صنعتی مشغول‏ کار است که در زمینه‏های گسترده‏ای از صنایع غذایی- پوشاک و نساجی-چوب-چرم-کاغذ-زغال سنگ- آهن و فولاد-مس-آلومینیم و روی-سیمان-مواد شیمیایی-محصولات فلزی ماشین آلات-مولدها- رادیو و تلویزیون-ابزار پزشکی-دارو-وسائل نقلیه- وسائل حمل و نقل-کشت و صنعت و رشته‏های دیگر در حال فعالیت هستند.

در زمینه زیرساختهای اقتصادی مانند احداث راههای‏ جدید و تعمیر راههای قبلی-ایجاد راههای جدید روستائی‏ و تعمیر راههای فرعی موجود-فرودگاه و هواپیمائی- توسعه بنادر و اسکله‏ها و وسائط نقلیه دریائی-ایجاد راه‏ آهنهای جدید-توسعه صنایع اساسی مانند برق‏وگاز- ااحداث سدهای بزرگ و متوسط در نقاط مختلف کشور، اقدامات فراگیر متعددی صورت گرفته است که در مجموع‏ زمینه را برای شتاب‏وخیزش اقتصادی که از آن سخن‏ گفتیم فراهم ساخته است.

به این ترتیب صادقانه باید اعتراف کنیم که هفتمین‏ کابینه جمهوری اسلامی ایران در مطلوب‏ترین شرائط از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون وظیفه خود را به عهده می‏گیرد.البته زمان مطلوب به معنی آسان بودن‏ وظیفه کابینه هفتم نیست،بلکه کار بسیار سخت و اساسی‏ است.بنظر می‏رسد مهمترین نقش دارای اولویت کابینه‏ جدید پیگیری سرسختانه برنامه‏های عمرانی در دست‏ اجرا است تا در زمان مقرر به بهره‏برداری برسند و سرمایه‏های صرف‏شده در این طرحها تلف یا معطل نشود. راه آینده،خواه‏ناخواه،از نظر اقتصادی ادامهء مسیری است‏ که تاکنون پیموده شده است با این تفاوت که از هم اکنون‏ هر کجا نقاط ضعفی بوده،اصلاح شود و هرکجا نقاط قوتی‏ وجود داشته است تقویت گردد.فراموش نکنیم استحکام‏ نهائی یک زنجیر برابر با ضعیف‏ترین حلقهء آن است. رشد اقتصادی کشور تقویت نقاط ضعف‏ از اولویت بیشتری برخوردار است و باید چنین باشد.ضمنا قبل از اقدام به هر اصلاح و تغییری باید سود و زیان آن‏ سنجیده شود و از«تغییر به خاطر تغییر»خودداری شود. میزان زیانهائی که طی سالیان دراز کشور ما از تغییرات‏ غیر ضروری و گماشتن افراد کم‏تجربه بجای افراد پرتجربه‏ (البته با فرض صحت عمل و دستکاری آنها)صورت گرفته‏ است.قابل تقویم نیست.در عصر ما هر اقدامی باید متکی‏ بر دلیل و فلسفهء قابل قبول باشد-تغییر و تبدیل مدیران‏ اجرائی طبعا از حساسیت بالاتری برخوردار است.

از این مرحله که بگذریم بزرگترین مسأله‏ای که در برابر دولت جدید قرار دارد،مسأله تورم است.ما در سالهای‏ گذشته تورم بالای 50 درصد را هم-متأسفانه تجربه‏ کردیم.

سال گذشته رقم رسمی تورم 25 درصد اعلام شد. امسال وعده پایین آوردن آن به 18 درصد داده شده است‏ لیکن متأسفانه در ماههای فروردین و اردیبهشت‏ سیر قیمتها چنان بود که نشان می‏داد تورم از سال گذشته‏ نیز فراتر رود.بنابر این مهار قیمتها باید در رأس برنامه‏های‏ دولت باشد.در این راه سیاستهای اقتصادی و افزایش تولید و ایجاد تعادل در عرضه‏وتقاضا به مراتب کارآئی بیشتر، سیاستهای معروف به«بگیرو به بند»دارد.بهتر است مسائل‏ اقتصادی جامعه را با راه حل‏های اقتصادی حل کنیم.

اقدام دیگری که باید در رأس برنامه‏های مملکتی قرار گیرد ایجاد شغل برای کسانی است که فاقد شغل با درآمد کافی برای اداره یک زندگی قابل قبول می‏باشند.ارقام‏ رسمی حکایت از 10 درصد بیکاری در نیروی فعّال‏ اقتصادی کشور می‏کند.رقمی بسیار بالاست،خاصه‏ با تصریحی که قانون اساسی و بالاتر از آن نام اسلامی‏ از جامعه انتظار دارد.هیچ فردی در این نظام الهی نباید درصورت داشتن توانائی کار،بدون کار بماند،هم از نظر خدمتی که می‏تواند و می‏باید به جامعه ارائه دهد و هم‏ از نظر برخورداری از مزایای اجتماع که حق مسلّم او محسبوب می‏شود.گفته فوق به هیچ‏وجه به معنی آن‏ نیست که دستگاه دولت متورم شود و بیکاران به استخدام‏ دولت درآیند.به عکس مصوبه‏های مجلس‏های چهارم‏ و پنجم در زمینه کوچکتر کردن ابعاد دستگاه دولت و افزایش‏ کارآئی آن باید به دقت دنبال شود.برای ایجاد اشتغال‏ کامل در جامعه باید به ایجاد واحدهای جدید تولیدی‏ و خدماتی مفید و گسترش واحدهای موجود در بخش‏ خصوصی کمک شود.و در این راه تسهیل در اعطای اعتبارات‏ ارزن بانکی و بکار گرفتن نحوه‏های اجرائی سودمند مالیاتی‏ می‏تواند ایجاد انگیزه کند تا جائیکه بی‏کاری را از جامعه‏ بزداید و عدالت اجتماعی را به این ترتیب به صورت فراگیر گسترش دهد.

توجه به توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی باید به‏ صورت یک اصل بنیانی تلقی شود.زیرا تنها در این صورت‏ است که می‏توان به استمرار تولید-بالا بردن کیفیت‏ فراورده‏ها و پایین آوردن هزینه تولید-از جمله از طریق‏ کاهش ضایعات و بالا بردن میزان بهره وری و ایجاد ارزش‏ افزوده بیشتر بر روی فرآورده‏های داخلی،و رقابت پذیر کردن‏ قیمتها در داخل و خارج-قدام کرد.بدیهی است شرط مقدم توفیق در این امر،دوری جستن از هر نوع انحصار و شبه انحصار می‏باشد.صادرات را نه فقط به عنوان عاملی‏ برای کسب درآمد ارزی،بلکه همچنین به عنوان تضمین‏ کننده استمرار تولید مرغوب و بالا نگهداشتن سطح اشتغال‏ و عاملی در جهت خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات‏ تولید و مصرف داخلی تلقی کردن اثرات نامطلوب نوسانات‏ تولید و مصرف داخلی تلقی باید کرد.ما عقیده داریم که‏ صادرات و صادرکننده باید برنامه‏های خود را دنبال کند و واردات و واردکننده نیز برنامه خود را،گره زدن این دو به‏ یکدیگر نهایتا یکنوع شبه انحصار را دامن می‏زند.ضمنا عقیده داریم دستگاههای دولتی هرچه ممکن است کمتر در کار واردات و صادرات دخالت کنند و بهتر است این امر را به‏ بخش خصوصی واگذار کنند حتی اگر واردات برای مصارف‏ دولتی و صادرات نیز از محصولات زیر پوشش سازمانهای‏ جمهوری اسلامی ایران(ره)است که فرمودند:«کارهائی‏ را که دولت می‏تواند انجام دهد و بخش خصوصی‏ هم می‏تواند انجام دهد،بهتر است بخش خصوصی انجام‏ دهد.»